



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

روابط سیاسی و دیپلماسی ایران و پولونی

در زمان صفویه

(مستند با اسناد آرشیوی)

« پادشاهان عرصه گیتی از مسلم و غیر مسلم
« از اقصای ممالک فرنگستان و اروس و کاشغر
« و تبت و هندوستان با آن حضرت (شاه عباس
« کبیر) طرح الفت و آشنائی افکنده از حسن
« خلقش متواتراً ایلچیان بدرگاه عرش اشتباه
« فرستاده اظهار عقیدت و دوستی مینمودند
« و تحف و هدایای نفیسه زیاده از حد از چند
« چون میگذرانیدند و سلاطین فرنگیه و پادشاهان
« مسیحیه از لای و نمسه و فرانسه و انگلیس و
« ولندیس و پرتگال و اسپانیه و پاپ که بزرگترین
« پادشاهان نصاری و خلیفه ملت حضرت عیسی

« علیهالسلام و مقتدای طوایف مسیحیه است
 « باوجود بعد مسافت و مکان و دریای مابین
 « محیط و عمان از آوازه عدالت و سلوک
 « پسندیده اش باطبقات انسانی باآن حضرت
 « از روی عقیدت آمیزش نموده عتبه علیهاش
 « از آمد و شد رسولان و وصول هدایای بردبار
 « خالی نبود . »

(عالم آرای عباسی تألیف اسکندر بیک منشی. جلد سوم.
 ص ۱۰۸۰.)

فرمانروائی شاهنشاهان صفویه بخصوص دوران طولانی سلطنت
 شاه عباس کبیر (۹۹۶ - ۱۰۳۷ هجری قمری) مصادف بود با بروز
 وقایع و حوادث مهم تاریخی و سیاسی و اقتصادی در آن زمان و
 رقابتها و درگیریهای امپراطوریها و دولتهای معظم و مقتدری
 مانند امپراطوریهای هابسبورگ اسپانیا و اطریش و حکومتهای
 پادشاهی فرانسه و انگلیس و امپراطوری عثمانی . وقایع مزبور
 اوضاع سیاسی جهان را طوری بنمود مشغول داشت که زمامداران
 باوجود مشکلات و دشواریهای فراوان دقیقه‌ای برای پیشبردن
 مقاصد و حفظ منافع دولت و کشور خویش از سعی و کوشش فارغ
 ننشستند . در این میان امپراطوری عثمانی بافتوحات پی‌درپی در
 اروپا و در آسیا نه تنها سیاست دولتها را بسوی خود جلب کرد بلکه
 دنیای مسیحیت را مورد تهدید قرار داده بنیان آنرا بلرزه انداخت .
 بنا بر این رهبران و زمامداران شرق و غرب ، صرف نظر از اختلاف
 عقیده و مذهب و تفاوت نوع و روش تمدنی و زندگی ، ناچار شدند
 بوسایل ممکنه دست دوستی و اتحاد بیکدیگر داده علیه دشمن مشترک
 بفکر چاره بیفتند .

راجع بروابط ایران با امپراطوریه‌ها و دولتهای بزرگ و کوچک
آنزمان تاکنون کتابها و مقالات متعددی نوشته و منتشر شده است .
ولی در مورد کشور پولونی، که آن نیز پیوسته مورد تهاجم ارتش
نیرومند عثمانی بود و از نظر داشتن مذهب کاتولیک نقش مهمی را
در سیاست این طریقه و دنیای آنروز بعهده داشت، تاکنون کتاب و
یامقاله بخصوصی به زبان فارسی نوشته و چاپ نشده است .

در گیرودار جنگ بین الملل دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) گروهی از
مردم پولونی بر اثر جنگ به ایران آمدند. در میان این گروه ،
دانشمندان و استادان عالیقدری بودند که بتدریج پس از
آسایش خیال ، مرتبت علمی و دانش خویش را نمایان
ساختند . بر حسب تصادف این جانب بایکی از آن دانشمندان یعنی
آقای استانیسلاس کوچیالکوفسکی^۱ استاد تاریخ دانشکده اتی پن
باتوری شهر ویلنو ، آشنائی بهم رساند . پس از اندک مدتی بدرجه
والا و مقام بلند دانش این استاد پی بردم و از ایشان خواستم تا
سخنرانی در باره روابط ایران و پولونی ایراد نمایند .

ترتیب این سخنرانی در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۲۲ = ۱۴
آوریل ۱۹۴۳ در دانشسرای عالی داده شد و ایشان سخنرانی
محققانه‌ای درباره « ایران و پولونی طی قرون » به زبان فرانسه
ایراد کردند که بعداً همین سخنرانی بوسیله « انجمن پولونی مطالعات
و تحقیقات ایرانی »^۲ به چاپ رسید .

سخنرانی پرفسور کوچیالکوفسکی حاوی چهار بخش به این
قرار است :

- ۱- مناسبات سیاسی و دیپلماسی .
- ۲- روابط اقتصادی و بازرگانی .
- ۳- مسئله مذهب و روابط آن با هیئت‌های مذهبی .
- ۴- امور مربوط به فرهنگ : علم ، ادب و هنر .

که هر بخش بسمم خود برای اولین بار اطلاعات کافی رشافی از روابط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و مذهبی بین دو کشور ایران و پولونی ، در اختیار محققان میگذارد .

با مطالعه اسناد آرشیو وزارت امور خارجه به تعدادی سند که بوسیله استاد دانشمند آقای نصراله فلسفی از اسناد کتابخانه ملی شهر ناپل (ایتالیا) ^۳ برای این وزارتخانه عکسبرداری شده برخوردار کردم که به این دوره، بخصوص بر روابط سیاسی میان ایران و پولونی ، ارتباط داشت. درینم آمد که این اطلاعات مفید و تاریخی در دسترس نباشد . بنا بر این با در هم آمیختن متن سخنرانی استاد کوچیا لکوفسکی و اسناد مزبور و استفاده از کتاب خود ^۴ و کتاب تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه تالیف نصراله فلسفی ، مقاله حاضر را که فقط جنبه سیاسی و دیپلماسی آن مطرح است ، تهیه و تدوین نمودم به این تفصیل :

در آغاز قرن ۱۳ میلادی اولین بار در پولونی بوسیله ونسان کالدوبک^۵ مورخ پولونی، از ایران نام برده شده. مورخ معروف در زمان سلسله پیاست^۶ مؤسس دولت پولونی میزیسته است. کالدوبک در کتاب تاریخ خود که به زبان لاتین نوشته است بنام «کرونیکا- پولونروم»^۷ کوشش کرده مطالب را در زیر سرپوش اخلاقیات، ذکر

نماید و بزای این کار به شرح زندگی و تاریخ رومیها و یونانیها و همچنین ایرانیها پرداخته از کوروش و داریوش و خشایارشا حکایتها نقل نموده است. شرح و بیان مورخ مزبور البته نظری و چندان قابل اهمیت نیست ولی چون اولین باری است که در ادبیات پولونی از ایران سخن گفته میشود، میتوان آنرا مورد توجه قرار داد.

اولین روابط بین ایران و پولونی در حدود آخر قرن ۱۵ میلادی آغاز گردید. در سال ۱۴۷۴ میلادی امپور و آزکونتارینی^۸ فرستاده ونیزی، پس از مراجعت از ایران حامل نامه‌ای از شاه ایران مبنی بر پیشنهاد اتحاد دولتین ایران و پولونی علیه سلطان عثمانی محمد دوم (۱۴۸۱-۱۴۵۱) فاتح اسلامبول شد که با هدایائی از طرف شاه تسلیم کازیمیر ژاگلون^۹ پادشاه پولونی کرد. در سال ۱۵۱۶ در زمان سلطنت سیژیسموند اول^{۱۰} (۱۵۴۸-۱۵۰۶)، پی‌یر،^{۱۱} روحانی مارونی لیبان بعنوان فرستاده شاه ایران مأمور رسانیدن نامه‌ای حاوی تقاضای عقد قراردادی علیه ترکان عثمانی به دربارهای اروپائی گردید. این فرستاده از پولونی گذشت و پیغام شاه ایران را به فرمانروای پولونی داد.

آنچه را که ذکر شد اثراتی از روابط بین دو کشور ایران و پولونی بود ولی رابطه و تماس حقیقی از زمان فرمانروائی اتی‌ین باتوری^{۱۲} و سلطنت شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خداپنده آغاز گردید.

پس از مرگ سیژیسموند دوم، اگوست آخرین پادشاه ژاگلون، کشور پادشاهی پولونی ولیتوانی بایکدیگر متحد شده تشکیل کشور جمهوری ائتلافی و پارلمانی را بنام «جمهوری دولت» داده رسماً

عنوان «جمهوری پولونی» را بخود گرفت. این وضع با اینکه عنوان جمهوری را داشت، معذالك پادشاهی انتخابی به آن حکومت میکرد که اولین آنها اتی‌ین باتوری (۸۶-۱۵۷۶) بود. این شاهزاده که اصلاً از هنگری بود یکی از فرمانروایان مشهور آن زمان گردید. باتوری با خواهر آخرین پادشاه ژاگلون ازدواج کرد و پس از پیروزی برای اوان مخوف، تزار روسیه، تمام اراضی از دست رفته پولونی را از وی پس گرفت و سپس با ارتباط با پاپ سیکست پنجم^{۱۳} در صدد برآمد اتحادیه‌ای علیه ترکان عثمانی، تشکیل دهد و با سلطان سلیمان دوم قانونی، که اروپا بویژه پولونی را مورد تهدید قرار داده بود، وارد جنگ شود. برای انجام این مقصود تصمیم گرفت پادشاه ایران داخل در مذاکره شود. لذا سفیری به ایران فرستاد ولی متأسفانه نام فرستاده معلوم نیست و از قرائن شاید بتوان حدس زد شخصی بنام مارتن برنیووسکی^{۱۴} باشد که در زمان سلطنت باتوری چندین مأموریت از طرف او بکشورهای مشرق زمین داشته است. پامرگ اتی‌ین باتوری در سال ۱۵۸۶ این سیاست در بوتهٔ اجمال افتاد. تا در زمان سیژیسموند سوم که مجدداً دنباله روابط گرفته شد.

این زمان مصادف شد با سلطنت شاه عباس کبیر و برقراری نظم و آرامش در سراسر کشور و توجه خاص او به امپراطوری عثمانی و ایجاد روابط و مناسبات دوستی و اتحاد با دولتهای اروپائی. حسن سیاست و تدبیر شاهنشاه ایران و بخصوص تمایل شدید او بداشتن چنین روابطی، در بارهای اروپائی بخصوص پاپ‌ها، رهبران طریقه کاتولیک، را برآن داشت که با فرستادن سفرا و هیئتهای تمایل خود را به این امر نشان دهند.

از جمله این پاپها کلمان هشتم^{۱۵} و پل پنجم^{۱۶} بودند که با اعزام هیئتی مرکب از سه روحانی بنامهای پل سیمون^{۱۷} و ژان تاده^{۱۸}

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

و ویاستت^{۱۶} بدر بار اصفهان مصرأ خواستار اتحاد بادولت ایران شدند (فاصله سالهای ۱۶۰۲-۱۶۰۸)^{۲۰} نامه پاپ پل پنجم شاهد براین مدعی است^{۲۱}

« عالیجناب ملایک سپاه ظل الله السلطان بن السلطان والخالقان بن الخاقان ابوالمظفر شاه عباس پادشاه فارس میرساند... ثانیاً مخفی نماند که در این وقت چند پسران ما از آداب و شرط پادریان کرملان که ایشانرا کله منت ریم پاپا هشتم بخدمت نواب اشرف فرستاده بود که بزبان او مبارک دهند در باب گرفتن پایتخت تبریز و جمیع فتوحات که بادشمنان ما نموده اند و دیگر ظاهر می نمایم که چون این جانب به مرتبه کلمنت هشتمین رسیدیم محبت و دوستی که اورا بود باز صدچندان بما روی نمود مانند محبت که باحضرت عیسوی المسیح داریم و دوستی ما باروز بروز زیاده میشود که نواب بادشمنان ما جنگ می نماید و فتوحات میشود و این همه شفقت و لطف الهی است و چون از محبت و یکانگی می بایست که نشانه در میان باشد ارسال نمودیم عمده المسیحیان پادری پاولوسیمان (پل سیمون) و پادری جوان (ژان تاده) و پادری وی سنت از آداب و شرایط کرملان و بعد از این مدعیات خود را خاطر نشان خواهیم نمود که بر بندگان نواب محبت و دوستی سلاطین ما ظاهر کردد و ما امیدواریم که همایون اعلی از این مقدمه خوشحال باشد و دوستی این جانب را از حسین علی بیگ ایلچی معلوم خواهند نمود... امیدوارم که همیشه سلامت و بافتح و فیروزی باشند آمین یارب العالمین در تاریخ اقوست سنه هزار و ششصد و چهار نوشته شد.»

هیئت مزبور در سر راه به خدمت رودلف پنجم امپراطور اطریش و سیژ یسموند پادشاه پولونی رسیده آنانرا و ادار کردند ضمن نامه هائی که برای شاهنشاه صفوی می نویسند اتحاد اورا در جنگ با عثمانیمها خواستار شوند .

(۷)

کتابخانه مبارک مدرسۀ فیضیه

اندر محبت که از حضرت میسوی المسیح ...
که از آن بدوشان حاجت می نماید و فریادهاست ...
این است چون از محبت و یگانگی بی ابیت کشت ...
در بسین باوری باور که پس بیان و باوری جوان ...
که چون در این درجات خود را خلاصت ...
با این عالم کرده و راه رسیداریم که ...
در این از حسین علی یکدیگر میگویم ...
با این میراث با این حضور با این ...
زادند چندان نماند که از آن ...
که آید و پیش پا در آن را اندک ...
که در این از جوانی نماند ...
و در این در این نماند ...
در این از جوانی نماند ...
در این از جوانی نماند ...

سیژ پسموند سوم که پس از اتی‌ین باتوری بافرستادن نماینده‌ای بنام سفرموراتویچ^{۲۲} در سال ۱۶۰۲ علاقه خود را به مناسبات و اتحاد با دربار ایران نشان داده بود، از موقع استفاده کرده هیئت مزبور را مامور رسانیدن نامه‌ای مبنی بر سفارش اعضای هیئت به شاه عباس کرد: متن نامه به این مضمون است.^{۲۳}

«عالیجناب بندگان نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس ارفع اشجع اعلی‌خلدالله ملکه ابد المظفر معزالدوله شاه عباس پادشاه فارس می‌رساند که عمده‌المسیحیان و نیکوکرداران و صالحان سیما پادری پاولوسیمان و پادری جوان و پادری وی‌سنت برادران از آداب و طریقت حضرت مریم از کوه کرمیلیان از محبت و تعشق خدا ترک دنیا کرده‌اند و سختی و ریاضت را بواسطه خدا بخود قرار داده‌اند از این سبب به الکهای دور و سفر سخت که عجم باشد اختیار نموده‌اند که جماعت عیسویان که در آن‌الکه‌اند ملاحظه دین ایشان نمایند و از پیروی راه حق تعلیم بدهند امیدوارم که همچنین از واسطه نیکوئی و به آداب و طریقت ایشان که دلیل راه‌اند این جانب ایشانرا در مملکت خود نهایت عزت و حرمت مینمائیم التماس از نواب اشرف چنان است که از واسطه دوستی و یگانگی با این جماعت را در الکه خود عزت تمام بکنند و احیاناً جماعت عیسویان نزد پادریان آمد و شد نمایند احدی مزاحمت نرسانند و گذارند که در دین و آئین خود بسر برند و چون پادریان مذکور ترک دنیا نموده‌اند و به غیر از اطاعت و خدمت خدا چیزی دیگر از دست ایشان نمی‌آید و مکر و حیل و بدفعلی در ذات ایشان نیست ملتمس چنان است که نواب اشرف از احوال ایشان غافل نباشند و هر شفقتی که نسبت به پادریان می‌کنند همان است که درباره سلاطین فرنگیه نموده‌اند امید که همیشه دوستکام و با فتح و فیروزی بوده باشید و هر مهمی

که با مردان و کاتبان دیگر در این راه در پارس سپید را که نیز این نوع بود باشد
تا که در آب اشرف چیزی بود پس نیز در صفت یکی از او در آخرت بسیار است
ایشان در آن زمان که پیش از آن است که هرگز نمی باشد در این نامه که حکم
بر اینم و این دو که در تاریخ شرافت است و نیز در کتب و مدار نوشته شد
کتابت بسیار است پس با شاه و در خواب اشرف در تاریخ دیگر است
از صبر در تاریخ شرفستان العبادت پس در شاه شرف و در
عالمیاب بدکان خواب بسیار است که اشرف اشرف است و اشرف اشرف است
که از اهل الطغر مغراده است و بسیار است و در این کتاب که در السجستان
دیگر که در آن و حاکمان بسیار است و در این کتاب و در این کتاب
برادران از آب و طریقت حضرت هم از کوه که در میان از محبت و عشق خداوند
و نیز که در این کتابی در راهت راه سبط خداوند قرار داده اند این کتاب که در
در ستمت که حکم است اختیار نمودند که بافت بسیار است که در آن که از این خط است
ایشان نمایند از هر وی را در حق تعلیم بر بندید و در این که چنین از او که بسیار است و در
و طریقت ایشان که در این راه است این جانب ایشان از او که ملک خود است حضرت است

که بوده باشد رجوع نمایند که منت عظیم است این دو کلمه در تاریخ شهر ستمره (سپتامبر) سنه ۱۶۰۴ نوشته شد امره اعلی. تشویق هیئت‌های اعزامی^{۲۴} شاه عباس را بر آن داشت که او نیز سفیری برای درك مطالب و حقیقت پیشنهادهای زمامداران اروپا بدر بارهای آنان اعزام داشته سیاست خود را در قبال امپراطوری عثمانی با آنها هم آهنگ نماید. بنا بر این در فوریه ۱۶۰۸ روبر شرلی را به همراهی پل سیمون (یکی از سه نماینده‌ای که پاپ بدر بار اصفهان فرستاده بود) مأمور مذاکره با پادشاهان اروپا و پاپ رهبر کاتولیکهای جهان برای جلب اتحاد آنان در جنگ با عثمانی و امور بازرگانی، مخصوصاً تجارت ابریشم، کرد.

هنگام ورود روبر شرلی به دربار سیژیسموند سوم، پل - سیمون نامه شاه عباس را به این مضمون^{۲۵} تسلیم پادشاه پولونی کرد:

« عالیجناب سلطنت آیات شوکت و عظمت قباب نصفت و معدلت مثآب کردون رتبت ثریا منزلت ستاره حشمت همت آسمان رفعت پایه پادشاه عالیجاه آفتاب طلعت عمدة السلاطین عظیم الشان مسیحیه فدوه پادشاهان و الامکان عیسویه شایسته انواع تعظیم و تبخیل مروج احکام زبور و انجیل مزین سریر دولت و شهریاری تمهید عظمت بختیاری خسرو عالیجاه ستاره سپاه پادشاه را بعد از لوازم محبت و دوستی و ابلاغ مراسم چندانست و یکانکی مرفوع رای آفتاب انجلا میگرداند که در این ولازبده (؟) المسیحیه پادری پاولوسیمون را که پادریان دیگر که باین دیار فرستاده بودند بخدمت اشرف رسیدند و سفارشی چند که در باب جماعت ترك نموده بودند که شما از آن طرف و ما از این طرف هجوم آورده ترك را مستأصل گردانید بما عرض کردند چنین نوشته بودند که

عساکر فرنک از هر راه صلاح باشد برسر ترك آیند برایشان ظاهر خواهد بود که تاحال ما در دفع و رفع جماعت ترك تقصیر نکرده ایم ما حالا نیز با لشگر بیشمار مهیا و حاضریم و ازین طرف سعی و کوشش می‌نمائیم آنطرف را ایشان بهتر می‌دانند از هر راه که صلاح دانسته باشند و دانند که ظفر میتوان یافت متوجه شوند اما اگر از دوطرف آیند یکی از جانب حلب و یکی دیگر (.... ؟) که مخالفان دست پاچه شوند بهتر خواهد بود و چون در مکتوب محبت اصولب قلمی نموده بودند که پادری عظام را زود بفرستند بدان جهت او را مرخص ساخته روانه نمودیم و پادری دیگر را حرمت و عزت بسیار کرده اینجا نگاه داشتیم^{۲۶} و میخواستیم که از مردم اعتمادی خود کس همراه پادری کرده بخدمت بفرستیم چون امیرزاده اعظم سنیور دون لبرتو شیرلی که از امیر زاده‌های انگلیس است و مدت مدید در خدمت همایون ما بوده محل اعتماد شده بود هم از او و هم از شما بود و از اوضاع اینجا اطلاع داشته بدین جهت او را بخدمت حضرت سلاطین فرنکیه فرستادیم که حقیقت حالات را خاطر نشان کرده روابط دوستی را فی مابین استحکام دهد طریقه محبت آنست که همیشه شیوه خصوصیت و یکانکی را مرعی دارند و آنچه امیرزاده مذکور درباب استقرار لوازم دوستی جانبین کوید اعتبار نمائید که محل اعتماد ماست و پیوسته حقایق احوال اینجانبی را نوشته روانه نمائید و درین دیار هرگونه خدمتی باشد رجوع فرمائید که بتقدیم رسانیده شود چون عرض مختصر بود زیاده نرفت ایام محبت مستدام باد عاقبت به خیر باد . تحریراً فی تاریخ شهر رمضان المبارک سنه هزار و شانزده هجری . «

بطوریکه از نامه شاه عباس که در تاریخ ۶ اکتبر ۱۶۱۵

مطابق با ۱۰۲۴ هجری قمری به پادشاه پولونی نوشته است، مستفاد میشود فرستاده دیگری از طرف شاه مزبور بدربار اصفهان آمده بود (اشاره آنتوان دو گووئا . به حاشیه صفحه ۸ این مقاله راجع به ژان تاده مراجعه شود). اینک متن نامه : ۲۷

«حضرت سلطنت پناه شوکت و عظمت دستکاه نصفت و جلالت انتباه شجاعت شمار معدلت آثار قدوه السلاطین نامدار فرنکیه زبده خوانین عالیمقدار عیسویه پادشاه عالیجاه رفع بارگاه والا- شکوه قیصر کرده انجم سپاه نظاماً للسلطنه والشوکه والنصفه والجلاله والعزه والامتنان پادشاه له را بعد از اظهار و مراسم محبت و دوستی و وداد و تبلیغ لوازم صداقت و الفت و آشنائی مرفوع رأی آفتاب ضیا میگرداند که تماماً حقیقت والفت و آشنائی و بازگشت حضرات سلاطین عظیم الشان فرنکیه و پادشاهان عالیمکان عیسویه بدودمان قدوس نشان همایون ایران سلطنت پناه عالیجاه ظاهراست و فیما بین ابواب الفت و آشنائی مفتوح و رسولان و ایلچیان از طرفین آمد و شد می نمایند چون درین ولا بعضی از جماعت فرنکیه بخدمت اشرف آمده بودند از زمره بجماعت زبده- الاقران طاغیلوس سرک بک (?) ظاهر شد که از مردم فرنکیه له و متسوبان و ملازمان سلطنت پناه عالیجاه است که بدین دیار آمده بنا بر اقتضاء محبت و دوستی که بجانبین واقع است اورا منظور انظار توجه فرموده اعزاز و احترام تمام فرموده رخصت معاودت بدیاری اصلی داده روانه نمودیم و این مکتوب محبت اصلوب بخدمت آن حضرت مرقوم کشته محرك سلسله دوستی کردید و طریق الفت و اتحاد آنست که آن شوکت و سلطنت پناه عالیجاه آنست که بدستور شیوه مرضیه الفت و آشنائی را مرعی داشته محرك سلسله صداقت و وداد بوده باشند و کس اعتمادی خودرا بدین صوب فرستاده

بنا بر اینست که پادشاه که به موجب تاج و تخت شریف و
از تیره طایفه و از سلسله پادشاهان اهل کسب و سعادت
مستقیم است بنا بر آنکه عظمت و بزرگی و جاهت ایشان بسیار است
شماره است و نام قدومه ایشان نامدار و فرنگی زبده خواتین عالمی است
ایشان با چاه رفیع بارگاه و لاشکره قیصر کرده انجم بسیار نظام سلطنت
الذکر و الصفه و الجلاله و العزه و الامتنان پادشاه در ابعاد اظهار و احسان
کسب و دوستی و داد و تبلیغ که از هر حدیقت و الفت و اتی در مرفوع برای ایشان
بنا بر آنکه ما نا حقیقت و الفت ایشان چو در بخت حضرت به این عظیم
ایشان فرنگی و پادشاهان عالی کمان میوریدند و مان در پیش ایشان مایه
این سلطنت بنا بر چاه ظاهر است و چنانچه ابوالحسن ایشان بر مرفوع و
ن و الجمان از طرفین آمد شد می نمایند چون این و لایحه از جماعت
در این است که از مردم فرنگی که در مسلمانان و طایفه سبک
در این است که از مردم فرنگی که در مسلمانان و طایفه سبک
در این است که از مردم فرنگی که در مسلمانان و طایفه سبک

توجه الثقات فرموده اعزاز و احترام تمام فرموده رحمت معاودت بود اصل
 در او روانه نمودیم و این مکتوب بحسب اهل بیت آن حضرت مرقوم گشته چون
 سلب و دستپی گردیده و طریق الفت و اتحاد آنست که آن نوبت به سلفت پناه
 مایه است که درین دیدار آرد به بار امضای محبت و دوستی که بجا بین واقع آنست ادرا
 منظور انظار توجه الثقات فرموده اعزاز و احترام تمام فرموده رحمت معاودت
 بر بار اصلی داده روانه نمودیم و این مکتوب بحسب اهل بیت به سلفت پناه
 دشمنی را مری داشته چون سلب و دستپی و داد بوده باشند و کجی انفرادی جز را
 درین مکتوب ستاده ابواب هم سپرد و سکا به منتوج گشته هر گونه کار برادری درین بار
 داشته باشند از روی یکا کنی و اتحاد اعلام نمایند که سنو بان و ملا زمان درگاه انجام
 آن مامور سپاسه فیصل هر بر کرده است چون عرض مقرر بود زیاده زفت تا بقدر به خبر باد
 رشم نواب اشرف در باب مبلغ ششصد تومان به شفقت بدت یکزاد
 اعظم اکرم و ان کوشش به بار غنم تراشور ^{۱۰۶۱} ^{۱۰۶۲} او از فرزند در زمان ^{۱۰۶۳} سلسله
 زمان مایون شد که هر دو یک جهان شاه یک پسران آید پسلی و شکر پسلی
 در پنهان پسلی چون جوان پسکی او را بجان مبلغ ششصد تومان بر اثر بی از باب

کتابخانه ...

ابواب مراسله و مکاتبه مفتوح داشته هرگونه کاری و مهمی درین دیار داشته باشند از روی یکانکی و اتحاد اعلام نمایند که منسوبان و ملا زمان درگاه را بانجام آن مأمور ساختند فیصل مدبرگردانند چون عرض مختصر بود زیاده نرفت عاقبت به خیر باد .»

از فحوای نامه ذیل معلوم میشود که شاه عباس علاوه بر اعضای هیئت‌های نمایندگی که از جانب پاپها و سایر پادشاهان اروپا به دربار وی می‌آمدند و آنان را در مراجعت بطور رسمی و یا محرمانه مأمور گفتگوها و مذاکرات سیاسی و اقتصادی میکرده، مستقیماً هم نمایندگانی اعزام میداشته است . به مضامین نامه‌های زیر توجه نمایند : ۲۸

کتابخانه مدرسه شهیدیه قم

«عرضه داشت الی بارمارکوئیچ (۹) بذروه عرض بندگان نواب کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس ارفع اعلی میرساند که در سال گذشته احوالات خود را به یعقوب ارمنی با پایوزی که نواب اشرف بخدمت پادشاه له فرستاده بود پاو داده که بمطالعه برساند از آن تاریخ تا حال به جواب سرافراز نشدیم و این دعا کو روز بروز انتظار میکشد که شاید خبری برسد در آن باب که در میان اقرار شده و چون در این ولادونفر از مردم ارمنه روانه درگاه عرش اشتباه میشدند فقیر احوالات خود را نوشته بخدمت فرستادیم و مطلب مخلص ایست که چون بمطالعه عریضه فقیر برسد دردم و در ساعت جواب ارسال دارند که هر امری که در کتاب یعقوب نموده فی الحال بنده بجای آورد بنوعی که راضی و شاکر بوده باشند و فقیر با لشکر به جانب جانیک نردیک تارا بزان (طرابوزان) کنار دریا حاضر میشود که شاید ملاقات به نواب اشرف نموده صلاح گرفته شود و در باب جنک نمودن به رومیه شومیه (عثمانی) عرض که از جانب تقصیری واقع نمیشود چرا که این روم دشمنی را ترک نخواهد نمود الحمداله که روسیه شومیه از

بانگین حضرت مسیح صلی الله علیه و آله و سلم در امر او ترا می بینی تا به قدرت است که گوی
 از فیروزان که در آن آنکه تخم برافله و نه با از دنیا برشته کم راه و هر کجا که
 دیگر از ایشان باشد و تو به که در غلبه و ازاد و خلاص گشت در حکومت
 بار و دیوان در حضور کواه و وزیره پیشه موافق نشد و همچنین که در اوصاف خود
 چند که تیر خواجه شد این امر به دستور العلی در پالی پشما شفت و کرم از
 ابتدای تاریخ نوشته تا حکم نایند و این امر نوشته شد در تاریخ که نزد اوست
 بنده و سعید و بت از پاره شکر صفای الباری که ۱۰۲۹
 کتاب الی بار که کوچ ایلی پادشاه فرستاد از پای تخت که به نواب شرف
 رسیدن با صفای در تاریخ ۱۰۲۹ فرستاد و از پاره ۱۰۲۳
 در نوبت الی بار که کوچ بر زود عرض نیکان نواب کایا به هر کجا که رفت
 در پیش این امر پادشاه که در پالی گشته احالات حوز را به فقیر این با بودی
 که نواب شرف بخدمت پادشاه فرستاده بود و داده که بطالم رساند
 آن تاریخ حال به جواب هزار بشده و این دعا که روز روز انتظار میکش
 این به خبری رسید در آن باب که در میان او قرار شد و چون در آن اولاد و تو قرار

بهر سینه و در او گاه از شش ایشان می شود بر غیر او است چهار است
بهر سینه و غلبه این خلق است که چون بماند در غیر سینه در ام
ت حباب از سینه دادند که هر امری که در آن است بیست و هفت بود و بی اللاله
بنا بر آوردند یعنی که راضی است که بر او باشند و غیر آن شکر و یا
بل زاری نماز از آن که در او حاضر شود و است بر غایت بر ذاب است
یعنی گرفته شود و در باب یک نوزاد بر او بر شوی و رضا که در جانب
در غیر با واقع نشود و اگر اهل او است یعنی در آن که خوانند و در او که در او
تجربت و اقبال افتاده روزی بر غیر طلوع و غایت صفت است عجب نام او است
یعنی در سینه و در او است علی نوزاد دارد و در حال ایضا در سینه که
بگردد و گویا تمام نام است که تمام او را بشود امره ایضا
ت ایضا که گویا ایضا است و سینه در ایضا است و ایضا
ایضا است و ایضا است و ایضا است و ایضا است
ت ایضا است و ایضا است و ایضا است و ایضا است
ایضا است و ایضا است و ایضا است و ایضا است
ایضا است و ایضا است و ایضا است و ایضا است

دولت و اقبال افتاده روز بروز طالع در غایت ضعف است، عجب ماندم که نواب اشرف ایلچی فرستاده و اراده صلح نمودن دارد بهر حال آنچه بخاطر مبارك خطور میکند باین کمینه دعاگو اعلام نمایند که سرانجام داده شود امره اعلیٰ»

نامه دیگر :

«عزت مآب عمده المسیحیه معبر زبور و انجیل پادری جوان را بعد از وظایف دعاگوئی معلوم باشد که از آن تاریخ که یعقوب بیگ رسول نواب کامیاب سپهر رکاب فلک جناب اشرف اقدس اعلیٰ بپایه سریر اعلیٰ روانه میشد این جانب مکاتبات چند به نواب اشرف ارسال نموده در باب آن معامله که بانواب اقرار شده و حق علیم و علام است که این جانب بهیچ وجه من الوجوه تقصیری ندارم اما روز بروز صبر می نمایم که خبری برسد که خاطر فقیر جمع گردد فی الحال مدعیات را بجان منت داشته بجا بیاورم و بلکه نوعی کردد که این کمینه به پابوس اشرف شرف گردد که در حضور یکدیگر مهمات را صورت بدهم التماس از جانب پادری چنان است که مقدمات را به عرض برساند و جواب را گرفته روانه نمایند و دیگر توقع چنان است که گاهی این فقیر بجایی برسد زیاده نرفت عمر یاد والسلام تحریر آفی تاریخ شهر ورساوا یا (ورشو) روز نهم از ماه اقوست نوشته شد سنه هزار و ششصد و نوزده .»

سیاست شاه عباس درباره روابط او با عثمانی بطوری دقیق و ماهرانه طرح ریزی شده بود که قسمت مهمی از اوقات او را بنخود مشغول داشته بود . چون این موضوع از بحث ما خارج است و در این مقاله باید از ارتباط با پولونی صحبت شود باز گزارشی که ژان تاده راجع به جنگ پادشاه پولونی با عثمانی ها میدهد و طرف توجه شاهنشاه

ایران است گفتگو می‌کنیم. متن گزارش باینقرار است.^{۲۹}

« برضمیر منیر مهر تنویر بندکان نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس انفس اشجع اعلی همایون شاهی ظل‌اللهی آنکه هزار جان فدای اسم مبارکش باد پوشیده و مخفی نماند که در این چندیوم خیر شخصی آمده که پادشاه له لشکری نهایت برسر روم برده مرتبه اول بیکلر بیکی که تعلق به پادشاه له داشته بی‌اذن صاحب خود لشکر برسر روم برده و هفت هزار نفر از مردم در معرض تلف درآورده چون این خبر به پادشاه له میرسد لشکر به مدد فرستاده هفت هزار تاتار را به قتل درآورده و آنچه توپ و اسلحه که اهل روم همراه داشته می‌گیرد و امر نموده که آنچه رعیتی که در سرحد بقدان بوده باشند داخل الکه خود نموده و باز مرتبه دیگر در کنار دریا رودخانه طوما لشکر کشی نمود صد هزار نفر از اهل روم و تاتار به قتل در آورده درین وقت خنکار (خواندکار لقب امپراطوران عثمانی) داعیه می‌نماید که بنیان مرکب را بجانب استنبیل (استانبول) بگرداند و از پیش لشکر در رود سرداران سپاه مانع میشوند و می‌گویند که اگر در این وقت از جای خود حرکت نماید استنبیل از دست ما میرود و چون خواندکار این مقدمه را از سرداران می‌شنود یکم منزل دیگر به لشکر فرنگ نزدیک میشود در این وقت پسر پادشاه له بایبست هزار نفر بالکه مجار می‌ریزند و هر سرحدی که قبل از این اهل روم بتصرف خود در آورده بودند جمیع بدست در می‌آورند و چون پادشاه نمچ (اطریش) با پسر پادشاه له خالوزاده بود ازین فتوحات راضی شده و امر نمود که هر الکه که از دست رومی بگیرند تعلق بتود دارد و باز کنار دریای استنبیل لشکر قزقان (قزاقان) له تاخت و تالان نموده‌اند تا سه فرسخی استنبیل و باز در آن وقت علامت مرکی در میان روم بهم رسیده و احوال رومیه شومیه در نهایت ضعف است. امره اعلی.»

شاهنشاه ایران برای عملی ساختن و اجرای طرحها و نقشه-های سیاسی خود ناچار بود از وقایعی که در اروپا بخصوص در موضوع سیاست بابعالی میگردد، پیوسته آگاه باشد. هوشیاری شهریار بزرگ ایران از مذاکراتی که با هیئت اعزامی پاپ می کند بنحوی واضح و آشکار است.^{۳۰}

«روز شنبه ۵ شهر جوینو سنه ۱۶۲۱ و از عربیه شهر رجب سنه ۱۰۳۰ در محل صبح از نواب اشرف طلبیده شدند پادری وی سنت و عمده المسیحیه پادری جوان تا رسیدن پادریان جماعت انگلیس پیشتر بخدمت اشرف رسیده بودند و بعد از آنکه پادریان مذکور رسیدند به دولت خانه نواب اشرف بخدمت مشرف شدند در سر سفره و خوان نعمت بعد از آن که پادریان سجده و تعظیم بجا آوردند نواب اشرف بایشان فرمود که نزدیک خوران نعمت بنشینند و نواب اشرف از پادری جوان پرسید که چند مدت است که پادری وی سنت آمده جواب داد که مدت ده یوم است که نواب اشرف با عزت و حرمت و از روی شفقت مکتوبات بدست مبارک گرفت و بدست سیادت پناه میرابوالمعالی داد که مطالعه نماید و چون در خط فارسی نبود و در زبان فرنکی بود نواب اشرف به پادری جوان فرمود که مکاتبات را بکیرد و فارسی نماید ... باز نواب اشرف شفقت نموده طعامی که در قاب خود میل می نمود فرمود که پادریان از آن قاب طعام تناول نمایند و خبر پرسید در باب فرنک و ترک خصوص از پادشاه له . پادری وی سنت جواب داد که پادشاه له فتح نموده و آنچنان فتاح نموده از ترک و تاتار کریمه در الکه بقدان نواب اشرف فرمود که آن خبر بما رسیده و اطلاع داریم اما رومی با لشکر عظیم میروود برسر له و همه الکه خراب خواهد نمود و پادریان جواب دادند که خدا نکند ما امیدوار هستیم

که به لطف و کرم خدا پادشاه له عظیم فتاح به ترك خواهد داشت و در این سخن بودند نواب اشرف فرمود که امرا و بيك از الكه له که در میان خود با یکدیگر سازکاری ندارند و اطاعت پادشاه خود نمی‌کنند از این سبب جواب به رومی نمیتواند داد. پادری جوان در جواب گفت که بیکلربکیان و امرایان له یاری نمیدهند پادشاه بواسطه لشکرکشی بیرون از الكه خود از جهت مملکت غریب‌گرفتی و یا تاخت کردن چرا که آنجا قانون نیست که باین قسم محاربه که بی‌ضرور است پادشاه زور نماید مگر ایشان از رضای خود مدد کنند همانا بواسطه سلامت از سر و جان ایشان الكه و خانه و زن و بچه هر يك خواهند شد و همچنین که حالا يك می‌باشند بر سر ترك دیگر نواب اشرف فرمود که از دست قیصر رومانیه یعنی پادشاه نمچ الكه مجار و نمچ و پای تخت برآنکه از دست رفت بعد از آن عمدة‌المسیحیه پادری جوان جواب داد که پادشاه نمچ حالا فتح نموده است و از پلاتین (ایالت پالاتین) داماد پادشاه انگلیس که یاقی (یاغی) اوست و پادری وی سنت شهادت داد که همچنین است...

دیگر نواب اشرف از پادری جوان پرسید که چرا سلاطین عیسویان آن وقت که امام قلی به فرنگستان بواسطه مدد طلبیدن رفت یاری به سر رومی نکردند در محل همچنین فرصتی به صاحب شدن و گرفتن قدوس خلیل (مقصود بیت المقدس است) و شام و حلب دیگر نواب اشرف فرمود که سلاطین فرنگیه یا کم زور یا کم غیرت از دین حضرت عیسی و از زیارت‌گاه ایشان دارند. پادری جوان جواب داد و گفت امام قلی به یاری طلبید درست نرفت به خدمت ریم‌پایا و پادشاه اسپانیه اما نزد جماعت خانان و بیکلربکیان که این مقدار قدرت نداشتند بزودی مدد دادن امام قلی صبر بسیار

توانست نمود احياناً سلاطین فرنگیه صلاح می دیدند البته یاری می دادند...».

کتابخانه موزه آستان قدس

روابط ایران و پولوتی پس از شاه عباس کبیر ادامه یافت چنانکه در زمان سلطنت لادیسلاس چهارم^{۳۱} (۱۶۴۸-۱۶۳۲) پسر و جانشین سیژیسموند سوم، دولت پولوتی مجدداً در صدد برآمد روابط خود را با ایران برقرار نماید. زیرا این پادشاه مانندسلف خود اتی‌ین باتوری در نقشه داشت که به جنک با ترکان عثمانی ادامه دهد. لذا در سال ۱۶۳۹ سفیری بنام تئوفیل کنت اشتا هر نبرگ^{۳۲} با نامه‌هایی روانه ایران کرد. این سفیر در مراجعت بدست لرگیهای داغستان در نزدیکی دربند کشته شد و شاه ایران هم مسببین قتل او را بشدت مجازات داد.

در فاصله سالهای ۴۴-۱۶۴۱ یکنفر ایرانی بنام میرزاموسی بیک به عنوان پیک سیاسی میان ورشو و اصفهان در رفت و آمد بود و نامه‌ها و پیامهای دو پادشاه را بیکدیگر میرساند.

اندکی بعد میشل ایلینیچ^{۳۳} از اشراف پولوتی از جانب لادیسلاس برای انجام پیک ماموریت سیاسی عازم ایران شد. طبق اسناد محرمانه دولت ونیز که بواسطه کیللمو برشت^{۳۴} (تورینو^{۳۵} ۱۸۶۵) درباره روابط ایران و پولوتی در سالهای ۴۸-۱۸۴۵ منتشر شد، در سال ۱۶۴۵ سفیری از طرف دولت ونیز بنام ژان تیپولو^{۳۶} به پولوتی رفت. دولت ونیز، لادیسلاس چهارم را بوسیله سفیر خود وادار کرد سفیری بمنظور تشکیل اتحادیه‌ای از ونیز و پولوتی و ایران علیه امپراطوری عثمانی به دربار اصفهان بفرستد. دولت پولوتی هم پیشنهاد ونیز را پذیرفته سفیری بنام اسلیک^{۳۷} به ایران اعزام داشت. سفیر مزبور در تاریخ ۲ اکتبر ۱۶۴۶ با بیست و پنج نفر همراهان خود ورشو را ترک گفت. در روز ۱۰ دسامبر وارد مسکو

شد و در روز ۱۲ ژانویه ۱۶۴۷ به شهر غازان رسید و پس از اقامت طولانی بواسطه شدت سرما و خطر تهاجم تاتارها سرانجام در روز ۳مه این شهر را ترك گفته از راه رود ولگا به حاجی طرخان آمد و در روز ۷ ژوئن با کشتی عازم ایران شد، مدت مسافرت هیئت دردریای خزر يك ماه بطول انجامید تا ۲۳ ژوئیه به شهر ایروان وارد گردید. در این شهر از طرف حاکم ایروان استقبال و پذیرائی شایانی از هیئت بعمل آمد. سپس از راه اردبیل و زنجان به قم رفت ولی در این شهر سفیر بسختی بیمار و ناچار شد حرکت خود را بتعویق بیندازد. سرانجام در تاریخ ۵ سپتامبر وارد شهر اصفهان گردید. پایتخت در پذیرائی سفیر و اعضای هیئت پولونی نهایت مراقبت را بعمل آورد. سفیر که هنوز از بیماری رنج میبرد نتوانست اعتبار نامه خود را شخصاً تقدیم شاه نماید بنابراین به مهماندار خود چنین گفت «چون اراده خداوندی تعلق گرفته که بعالم جاویدان بشتابم نمیتوانم شخصاً مأموریتی را که پادشاه من واگذار کرده است انجام دهم انتوان دو فلاندر روحانی از طریقه دمی نیکن را بجای خود انتخاب مینمایم». پس از چند روز از این واقعه یعنی در روز ۷ اکتبر ۱۶۴۷ سفیر درگذشت و با تشریفات خاص در کلیسای پدرهای کارمل بخاک سپرده شد. در روز ۱۷ اکتبر آنتوان دو فلاندر از طرف شاه عباس دوم پذیرفته شد و شاه با دقت خاص مطالب هیئت را تلقی کرد.

افکار بلند و نقشه های لادیسلاس چهارم با مرگ او در سال ۱۶۴۸ و هجوم قزاقها و قوای نظامی مسکو و سوئد بخاک پولونی تا مدتها بدست فراموشی سپرده شد ولی جانشینان او ژان دوم کازیمیر (۱۶۷۳-۱۶۶۹) و میشل اول کوریوت و یسنیویکی^{۳۸} و ژان سوم سوبییسکی (۱۶۹۶-۱۶۷۴) فاتح ترکان عثمانی در وین پایتخت اطریش (۱۶۸۳)، در حفظ روابط دوستانه بادولت

ایران در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان ، به اقداماتی متوسل شدند . طی این دوره بوهدان گروودزیکي^{۳۹} از طرف ژان کازیمیر در رأس هیئتی در سال ۱۶۶۸ واستانیسلاس سوئیدرسکی^{۴۰} از از جانب میشل کوریبوت در سال ۱۶۷۰ مأمور ایران شدند .

در زمان سلطنت ژان سوم سوم سوبی یسکی یازده هیئت سیاسی و مذهبی از طرف دولت پولونی بدربار ایران آمدند که اسامی بعضی از اعضای هیئت های مزبور به اینقرار است :

سرهنگ بوهدان گروودزیکي که بعنوان سفیر پولونی با معاونت سروان زاگورسکی^{۴۱} مدت چندسال در اصفهان اقامت نمود . در سال ۱۶۸۲ کنت سوسکی^{۴۲} . ژان کنت دوسیری ، که اصلا از مردم سوریه بود که بخدمت دستگاه سیاسی پولونی داخل شده بود . این شخص سه بار به ایران مسافرت کرده (۱۶۸۴-۱۶۸۶-۱۶۸۸) و سرانجام در سال ۱۶۸۹ در اصفهان درگذشت .

در سال ۱۶۹۰ شخصی بنام رادونسکی^{۴۳} و در سال ۱۶۹۱ یکنفر ارمنی موسوم به سیمون پطروویچ^{۴۴} نمایندگی ایران را داشتند . علاوه بر مأموران و نمایندگان سیاسی گروهی از روحانیون از طریق یسوعیین (ژزویت) به عنوان هیئت های مذهبی به اصفهان آمدند مانند : فرانسوازاپولسکی^{۴۵} و کشیش فرانسوی آوریل^{۴۶} که علاوه بر امور مذهبی مأموریت سیاسی نیز داشتند . فرانسوا پیکه^{۴۷} روحانی نزارو پل در مقدونیه در نامه ای که در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۳ از اصفهان به لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه می نویسد در باره مأموریت سوسکی چنین نوشته است : « در تاریخ ۳ اکتبر ۱۶۸۲ شاهنشاه ایران در مجلس باشکوهی در اصفهان فابریکیوس فرستاده پادشاه سوئد را که برای جلب اتحاد شاه ایران

به جنگ با عثمانی آمده بود پذیرفت در این مجلس سفیر سیام و فرستاده پادشاه پولونی کنت دوسوسکی و سایر نمایندگان دولتهای خارجی نیز حضور داشتند در همین مجلس بود که هدایای خود را تقدیم داشته و اجازه گرفت که بکشور خویش مراجعت نماید. در زمان سلطنت شاه سلطان حسین واگوست دوم (۱۷۳۳ - ۱۹۶۷) روابط میان ایران و پولونی ادامه داشت. اسقف آنسیر^{۴۸} فرستاده پاپ و سفیر پادشاه اسپانیا در اصفهان متذکر شد که یک نفر مبلغ مذهبی اسپانیائی در سال ۱۶۹۹ نامه ای به شاهنشاه صفوی تسلیم کرد که احتمالاً این نامه به صلح کارلوویتز^{۴۹} منعقد میان پولونی و عثمانی که بموجب آن حالت جنگ میان دو کشور خاتمه یافته بود، اشاره شده است. در همین سال ۱۶۹۹ ژاک نورکیویچ^{۵۰} ارمنی از جانب واگوست دوم بعنوان فرستاده بدربار اصفهان آمد و در مراجعت هدایائی از جمله یک ببر و چند پرنده در جزء هدایائی بود که شاه بوی داد. تا سال ۱۷۲۵ و قدری دورتر در قرن هیجدهم میتوان آثاری از روابط و مناسبات دوستانه بین ایران و پولونی بدست آورد. شاید اسنادی که بعدها بوجود آنها پی خواهیم برد، مؤید این مدعی باشد.

زیر نویسها:

- 1— Stanislas Koscialkowski. Professeur de l'Université Eienne Batory à Vilno
- 2— l'Iran et la Pologne à Travers les siècles. Société polonaise des Etudes Iranienne. Tehran 1943.

۳- بسم الله الرحمن الرحيم فهرست مکاتبات حضرت ریم پاپا و دیگر پادشاهان سلاطین عیسویان که بنواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اکرم ارفع اعلی ابوالمظفر معزالدوله عباس پادشاه فرستاده و از جانب پادشاه جمجاه به پادشاهان زرین کلاه ارسال گردانیده و مکاتبات چند که طبقه فرنگیه به نواب و امرا روانه کرده در تاریخ سنه ۱۶۰۸ از عیسویان تا لغایت ۱۶۲۳ و از ابتدای سنه ۱۰۱۸

تا لغایت سنه هزار و سی و سه فی هجره النبویه المصطفویه . از قرار معلوم این اسناد بوسیله ژان تاده که چنانکه خواهیم دید سمت مترجمی رسمی دربار اصفهان را داشت همراه برده شده و بوسیله خود او از زبانهای اروپائی به فارسی برگردانده شده است .

4—Les relations de l'Iran avec l'Europe Occidentale a l'époque safavide.

- | | |
|------------------------|------------------------|
| 5— Vincent Kaldubek. | 6— Pasts. |
| 7— Chronica Polonorum. | 8— A. Contarini . |
| 9— Casimir Jagnellon . | 10— Sigismond 1er |
| 11— Pierre . | 12— Etienne Batory. |
| 13— Sixte V. | 14— Martin Broniowski. |
| 15— Clément VIII. | 16— Paul V. |
| 17— Paul Simon | 18— Jean Thaddé |
| 19— Viacinth. | |

۲۰— این هیئت بار اول در تاریخ اکتبر ۱۶۰۴ از طرف پاپ، کلمان هشتم به ایران آمده بود .

۲۱— عکس اسناد کتابخانه ملی نابل (آرشیو وزارت امور خارجه) .

22— Sefer Muratowicz.

۲۳— کتابت سیجیسمانتوسیم (سیمزیموند سوم) پادشاه له به نواب اشرف در تاریخ دیچمر (دسامبر) سنه ۱۶۰۷ و از عربیه در تاریخ رمضان المبارک سنه هزار و شانزده (عکس اسناد کتابخانه ملی نابل) .
 درباره کلمه له که از آن زمان بعد در اصطلاح فارسی معمرل و متداول شده مورخین خارجی و داخلی درصدد برآمدند معلوم نمایند این کلمه از کجا سرچشمه گرفته است ، پرفسور کوچیالکوفسکی درسخترانی خود متذکر شد «این نام از کجا آمده برای ما معلوم و مشخص نیست شاید در آینده محققان بتوانند اصل و ریشه این کلمه را بیابند؟» اصولا از زمان صفویه تا آخر دوران قاجاریه اسامی کشورهای اروپائی را تحریف کرده هر یک بشکلی می نوشتند مانند: نمسه (اطریش) ، ولندیس (هلند) ، بلجیکا (بلژیک) ، فرنسیه ، فرنسیا (فرانسه) ، انگلتره (انگلیس) ، روم و رومیه (عثمانی) و غیره . همین امروز هم که به کشور پولونی، لهستان گفته میشود دنباله همین اصل هتداول در زمانهای گذشته است که بعقیده این جانب خطاست و باید کلمه لهستان را به پولونی نام جغرافیائی و حقیقی این کشور ، تغییر داد .

۲۴— آنتوان گرونا سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا هنگام شرفیابی حضور شاهنشاه ایران با این عبارات تشویق آمیز چنین گفت : « ... سرانجام مذاکرات ما به جنگ با عثمانی کشید. گفتم پادشاه بزرگ و نیرومند ایران ، جهانیان از تعدیات و تجاوزاتی که از طرف سلاطین عثمانی به پدران بزرگوار

شما کرده‌اند بخوبی آگاهند هنوز ایالات و ولایاتی که آنان بزور گرفته‌اند در تصرف دارند. با قدرت نظامی و سربازان سلحشموری که در اختیار دارید می‌توانید با پشتیبانی پادشاهان مسیحی که شمشیر بدست آماده جنگند و هر آن انتظار حمله را از طرف شما دارند، سرزمینهای ازدست‌رفته را بازپس بگیرید. مطمئن باشید که پاپ رئیس روحانی دنیای مسیحیت، عموم پیروان مسیح را بجنگ و یاری شما ترغیب خواهند کرد، همچنین امپراتور رودلف با پادشاه لهستان (که او نیز سفیر مخصوص بدربار شما فرستاده است) و فرمانروایان مسکوی و ساووا و توسکان و بالاخره پادشاه اسپانیا با تمام نیرو و توانائی خود دست بدست هم داده جاناً و مالا آماده کارزار خواهند شد...»

۲۵- عکس اسناد کتابخانه ملی ناپل.

۲۶- روحانی که شاه عباس نزد خود نگاهداشت ژان تاده است (درنامه‌ها با اسم «جوان» مذکور است). این روحانی پس از اقامت طولانی در اصفهان به زبان فارسی آشنا گردید و چون مردی مدبر و سیاستمدار بود ریاست روحانیان کرمیت را در اصفهان عهده‌دار شده بتدریج نزد شاه تقرب پیدا کرد و بسمت مترجمی دربار انتخاب شد. شاه عباس که ژان تاده را مورد توجه خاص و اعتماد قرار داده بود و پرا در تمام مذاکرات رسمی با سفیران و نمایندگان دوبراهای لاتین زبان بعنوان مترجم شرکت میداد، کار نزدیکی و تقرب وی به شاه بجائی رسید که بیشتر هیئتها و نمایندگان سیاسی که کارشان به بن بست میرسید ژان را واسطه حل و عقد امور و رفع مشکل و معضل خود میکردند. شواهد بسیاری در این موارد است که ما به دو فقره آن اشاره می‌کنیم:

«فرمان همیونی شد آنکه چون پادریان عظام... پادری جوان و پادری ردیمتو از جانب فرنگستان بخدمت نواب همایون اعلی آمده در این دیار بودند و درینوقت عزتمآب بیگزاده اعظم دون روبرت شرلی را برسم رسالت ایلچیگری بجانب فرنگستان و خدمت سلاطین رفیع‌الشان فرنگ فرستادیم دستور فرمودیم که پادری اعظم پادری جوان رفیق خود را پادری ردیمتو را بجهت اعتماد همراه بیگزاده مذکور نماید که باتفاق بخدمت حضرات پادشاهان فرنگ رفته ازجانب همایون ما ابلاغ رسالت نماید و خود در این صوب بوده درخدمت اشرف بوده باشد... و پادری جوان را در اینجا نگاه داشته‌ایم می‌باید که پادری مزبور هر جا و هر ولایت از قلمرو همایون ما وارد گردد حکام گرام و داروغکان و مردم آن ولایت مقدم او راگرمی داشته کمال عزت و حرمت بتقدیم رسانند و در باب قدغن جائی از فرموده تخلف نورزند و درعده داشته تقصیر ننمایند تحریر آ فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۲۴.» (تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، صفحه ۱۸۱، تألیف نصرالله فلسفی. طهران ۱۳۱۶).

سند دیگر:

«روز شنبه ۵ شهر یورجینو (ژوئن) سنه ۱۶۲۱ و از عربیه شهر رجب ۱۰۳۰ در محل صبح از نواب اشرف طلبیده شدند پادری وی سنت و عمده‌المسیحیه پادری جوان... بعد از آنکه پادریان مذکور رسیدند بدولت خانه نواب اشرف بخدمت مشرف شدند... نواب اشرف از پادری جوان پرسید که چند مدتست که

پادری وی سنت آمده جواب داد که مدت ده یوم است نواب اشرف به پادری جوان فرمود که مکاتبات را بگیرند و فارسی نمایند جماعت کرور در مجلس بودند نواب اشرف با ایشان از پادریان تعریف بسیار نمود و گفت که راست گویان و نیکو کرداران اند خصوصاً عمده‌المسیحیه پادری جوان نواب اشرف بانگشت مبارک به حضار مجلس نشان داد که از پادری جوان هرگز دروغ نشنیده‌ام (عکس از اسناد کتابخانه ملی پاریس) .

۲۷- کتابت نواب اشرف به پادشاه له به مصوب تا اوفلوشمیرک (طافیوس سرک بک متن نامه) در تاریخ ۶ شهر اکتوبره (اکتبر) سنه ۱۶۱۵ و از عربیه شهر رمضان المبارک سنه هزار و بیست و چهار (عکس اسناد کتابخانه ملی ناپل) .

۲۸- کتابت الی بارمار کوئیچ ایلچی فرستاده فرنسیا از پای تخت له به نواب اشرف و رسیدن باصفهان در تاریخ ۲۰ شهر جوینو (ژوئن) سنه ۱۶۲۱ و از عربیه سنه ۱۰۳۰ . (عکس اسناد کتابخانه ملی ناپل) .

۲۹- عکس اسناد کتابخانه ملی ناپل .

۳۰- حکایت در مرتبه اول که نواب اشرف پادری وی سنت را طلبید و گفت و شنید کرد در حضور پادریان و جماعة انگلیس شهر جوینو سنه ۱۶۲۱ و از عربیه شهر رجب ۱۰۳۰ . (عکس اسناد کتابخانه ملی ناپل) .

- | | |
|-------------------------|---------------------------------------|
| 31— Ladislas IV. | 32— Théophile Comité de Stahrenberg . |
| 33— Michel Illinicz . | 34— Guilelmo Berechet. |
| 35— Torino. | 36— Jean Tipolo . |
| 37— Slick. | 38— Michel Ier. Korybut Wisnowiecki |
| 39— Bohdan Grudjiecki . | 40— Stanilas Swiderski. |
| 41— Zagorski | 42— Comte Suski |
| 43— Radorski | 44— Simon Petrowicz. |
| 45— Francois Zapolski | 46— Avril. |
| 47— François Piquet . | |
- در تاریخ ۱۶۸۲ به عنوان سفیر لوئی چهاردهم مأمور دربار اصفهان شده .
- 48— Ancyre .
- 49— La poix Carlowice.
- 50— Jacques Nurkiewicz .